

## آينه

## اطلاعات

**یادداشت: «تجدید روابط با ایران»؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده**

موضوع تجدید روابط سیاسی دوجانبه با ایران بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخاب آقای دکتر روحانی برای ریاست دولت یازدهم در رسانه‌ها و محافل سیاسی غرب، زنده شده. آقای دکتر روحانی پیام تجدید روابط با ایران را دریافته و از امروز مشاوران و همکاران او در دولت یازدهم باید در فکر برنامه‌ریزی دقیق و استوار برای پاسخ‌دادن به این پیام‌ها باشند. جاده تحول در سیاست خارجی صاف و بدون مشکل نیست، رقابتی ما بر تحولات پس از انتخابات اخیر نظاره و آن را رصد می‌کنند. رقبا مانع تراشند. هشیاری بسیار می‌خواهد تا در موانع آنها گرفتار نگردیم. چنان‌که امروز نشانه‌های آن موانع و بر برخی تجربه‌های تلخ گذشته که ناشی از تلاش برخی کشور‌های همسایه برای تأمین منافع خود بود، آشکار شده است.

## انتقاد

**یادداشت: «پیش‌درآمدی بر اعتدال»؛ کریم ارغندب‌پور**

شعار محوری آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری «اعتدال» بود. «اعتدال» اصولاً چه هست و توسط چه مرجعی تعریف می‌شود؟ ... در سیاست و اجتماع بهترین راه برای اداره جامعه اصولاً همین رعایت حدود اعتدالی است. فلسفه تعیین‌هیات‌منصفه در محاکم هم‌روچ به تعریف از اعتدال در هر موضوعی است. برای یافتن حد اعتدال در هر امری در هر زمان، ما نیازمند استخراج وجدان عمومی در آن زمینه هستیم. این سخن اصلی این نوشتار است.

## بهار

**یادداشت: «برنامه شفاف» شرط لازم «تدبیر و امید»؛ سعید شریعتی**
هر روز گاری که رسماً تریبون‌های اقتدار گرایان، روحانی را به «کندمنامی و جورفروشی» ترغیب، تحریک، تهدید و تلمیع می‌کند و از خدا و خلق هم شرم ندارند، تنها مطالبه بحثی که در این مرحله می‌توان از روحانی و تک‌تک وزرا و همکارانش داشت ارایه «برنامه‌های شفاف» براساس وعده‌ها و تعهدات روحانی در ایام رقابت‌های انتخاباتی با توجه به شرایط پیچیده و بحرانی موجود است.

**گفت‌وگو / هاشم صباغیان: تندروهای هر دو جناح کنترل شوند**

ریسک‌پذیری آقای خاتمی کم است. او برای تصمیم‌گیری‌ها نیاز دارد تمام جواب یک امر را بسنجد و در صورت اطمینان از حاصل‌شدن نتیجه صددرصدی اقدام کند. در حالی که حرکت‌های اجتماعی-سیاسی را نمی‌توان اینگونه رهبری کرد. نباید در هیچ صورتی مطالبات کنشگران سیاسی یا اجتماعی ما به سمت‌وسوی مطالبات حاکم‌تری میل کند. محمدرضا عارف به دلیل آن انصراف تاریخی به یکی از قطب‌های اصلاح‌طلبی در کشور تبدیل شده است. در آن جلسهای هم که اعضای نهضت برای دیدار با عارف و صحبت با او و تشکر از اقدام سیاسی شجاعانه‌اش داشتند، بیشتر بر این مسأله تأکید داشتیم که این موقعیت اجتماعی کم‌نظیر که به دلیل اقدام سیاسی درست و به موقع در انصراف از انتخابات بود نباید به‌سادگی فراموش شود. باید از این موقعیت برای بخشیدن جلی تازه به رهبری اصلاح‌طلبان استفاده کرد.

## کیم‌سان

**سرمقاله: «این بدهی و آن طلب!»؛ حسین شریعتمداری**

اصحاب فتنه، حمایت از آقای روحانی را درجه و روزنه‌ای برای بازگشت به عرصه سیاسی نظام تلقی می‌کردند و از آنجا که تابلوی واریش آنها به گنگ وطن‌فروشی آلوده است، زیر تابلوی «والتاحی» به میدان آمده بودند. بدین است رئیس‌جمهور منتخب، هرگز نخواهد پذیرفت که کلیشه خود را با حضور عوامل وابسته به دشمنان بیرونی بدنام کند، چراکه حضور آنها علاوه بر بدنام‌کردن کلیشه، می‌تواند یک باطله‌خور و جدی برای نظام و از جمله دولت آقای روحانی تلقی شود. این روزها، اصحاب فتنه، پروژه‌ای را در محو و کلیشه‌زد و عملیاتی کرده‌اند. هدف نهایی این پروژه که به توجه به هوشیاری آقای روحانی، تحقق آن بسیار بعید به نظر می‌رسد، اتقایی این توهم به رئیس‌جمهور منتخب است که غیر از مدعیان اصلاحات طیف دیگری با ایشان همراه نیستند. اصحاب فتنه در محور دوم... تلاش می‌کنند، همه کسانی را که به رئیس‌جمهور منتخب ریافت نداده و نامزد دیگری داشته‌اند، دشمن و بدخواه ایشان معرفی کنند!... پیش از این... در یادداشت روز کیهان... با عنوان «رقیق قافله نیستند» به خمدات فراوان و انبوه و در بسیاری از موارد بی‌تظیر دولت کنونی اشاره داشته... آورده بودیم: «اصحاب فتنه... این توهم را القا می‌کنند که دولت یازدهم فقط یک «پروانه» را از دولت دهم تحویل گرفته است. حالا تصور کنید اگر فتنه‌گرانی که احتمالاً در دولت آقای روحانی به کار گرفته می‌شوند... آیا این کم‌کاری و بر زمین نهاند امور حیاتی و ضروری کشور را به حساب ویرانه‌ای که تحویل گرفته‌اند نمی‌نویسند؟...». جماعت یاد شده در واکش به یادداشت مورد اشاره کشیدند کیهان را به بزرگنمایی و غلو درباره خدمات دولت کنونی متهم کنند... حال آن که معتقدیم... دکتر روحانی به عنوان رئیس‌جمهور همه‌ملت، خدمت به مردم و نظام و اسلام را به مردم بدهکار است و در مقابل، حمایت دلسوزانه و خالصانه از دولت یازدهم، طلب ایشان از مردم است.

**«خاتمی هول شد به جای روحانی وزیر معرفی کرد»؛ محمد خاتمی**
از عوامل فتنه ۸۸ در جریان تماشای فیلم اصغر فرهادی می‌گوید وزیر ارشد دولت یازدهم، احمد مسجدجامعی است... برخی خبرها حاکی است که رئیس‌جمهور منتخب از اظهارنظر‌هایی از موضع بالا و طلبکارانه طیفی از اصلاح‌طلبان طی دو هفته اخیر به‌شدت ناراحت است و در صورت تکرار این موارد احتمالاً مجبور به موضع‌گیری علنی خواهد شد.

### ادامه از صفحه ۳

در حقیقت در حال تبدیل‌شدن به یک دادگاه بود یا مثلاً شرط‌گذاری آمرانه که بیابید این‌ کار را بکنید یا فلان کار را نکنید. با تمام احترامی که برای آقای عسگرولادی قایلیم، احساس می‌کردم که این موضع یک دبیر کل در برابر یک دبیر کل دیگر نیست، اما این سبب نشد که ما ارتباطمان را با مولفه ادامه ندهیم، ما در سطح جوانانمان ارتباطاتی داشتیم، گفت‌وگوهایی داشتیم، گاهی اوقات این گفت‌وگوها علنی می‌شد، گاه مناظره و گاهی اوقات هم دیدار خودمان انجام می‌شد، زیاد نبود ولی رشته ارتباط قطع نشد. به هر حال باید از شرایط جدید استقبال کنیم. همه ما احساس کردیم که اگر گفت‌وگو وجود داشته باشد، گفت‌وگوی عملی نه تحکمی، بسیاری از سوءتفاهمت‌ و بدفهمی‌هایی که ممکن است طرفین دچار شوند، از بین برود. نکته‌ای که برای ما وجود دارد این است که انقلاب و نظام جمهوری‌اسلامی متعلق به من و آقای عسگرولادی نیست، این مردم هستند که باید مطالبات و منافع و حقوق آنها در نظر گرفته شود، گفت‌وگوی بین دو حزب مخالف هم، در جمهوری‌اسلامی بدون در نظر گرفتن منافع مردم، نباید موجب این برداشت شود که ما داریم کشور را بین خودمان تقسیم می‌کنیم. شاید یکی از چیزهایی که دوستان از ما توقع داشتند (البته برداشت من این است) این بود که چرا حرف دل مردم و جوانان و دانشجویان را می‌زنید؟ خب اینها برایشان کمی سنگین بود مواضع ما که به نظر خودمان مطالبات مردمی بود، در واقع مرزی کشیده می‌شد که طبق این مرزبندی می‌گویند شما حق ندارید از چارچوبی که ما تعیین می‌کنیم بیرون بروید. این ایراد خیلی به ما گرفته شد؛ مثلاً چرا از حقوق شهروندی سیاست‌ورزانی که مغضوب بودند مثل نهضت آزادی دفاع می‌کنید؟ ما می‌گفتیم به‌عنوان یک حزب معتقد به نظام، قانون اساسی و حقوق شهروندی، با همه مرزبندی فکری و عملی که با آنها یا هر کس دیگر داریم، اگر اجحافی به آنها نشود باید از حقوق آنها دفاع کنیم. بارها به ما گفته شد که چون شما از حقوق آنها دفاع می‌کنید، بریتان محدودیت ایجاد می‌شود، ما هم گفتیم ایرادی ندارد، ما دنبال سهم‌خواهی نیستیم دنبال یک آرمانی هستیم که به سوی آن پیش می‌رویم. به نظرم شاید تجربیاتی که در طول ۱۶ سال گذشته داشتیم چراغ راهی باشند برای آینده ما که این قضای گفت‌وگوی خارج از دولت و حکومت بین احزاب و گروه‌های مختلف ایجاد شود، بدون سوظن، بدون پیش‌دروزی نسبت به یکدیگر.

**نقش آقای خاتمی در دوران جدید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

من در این مورد فرصت گفت‌وگو و بحث نداشتام اما تا آنجایی که من می‌دانم آقای خاتمی بر این باورند که «من (سیدمحمد خاتمی) نقش خودم را در درون قدرت ایفا کردم»، رئیس‌جمهور دودهم، وزیر بودام و کیل بودام و خدمتی اگر می‌توانستم انجام داده‌ام و الان صحنه فعالیت من، صحنه فعالیت درون قدرت نیست، بلکه درون اجتماع است... این را باید بپذیریم که جامعه ما به لحاظ سیاست‌ورزی یک جامعه خیلی قوی نیست، نهادهای مدنی قوی نداریم، احزاب و تشکیلات نداریم و اگر داریم به‌شدت آسیب‌پذیر هستند. را حق گفت‌وگو و تعامل را بلد نیستیم. انتزاف، رقابت و حتی انشعاب و جدانشدن چیزهایی هستند که آنطور که باید درون جامعه سیاسی ایران جانیافته است.

نقش‌ی که آقای خاتمی در این هشت‌سال و به‌طور اخص در این دوسال ایفا کردند در حقیقت نقش‌ی است که جای آن در جامعه ایران تا به حال خیلی بوده یعنی بخوایم یا نخواهیم، مجبوریم، یک جریان سیاسی بود که خیلی هم هماهنگ نبوده و پراکندگی‌های خاص خودش را داشت که آقای خاتمی توانستند اینها را هماهنگ کنند اما این قدم اول بود، الان از این به بعد جریان اصلاحات می‌تواند به لحاظ سازماندهی و نهادمندی خیلی پیشرفت و رشد کند. آقای خاتمی یک نعمت خدادادی دارند، اینکه تقریباً تمام محورهای اصلاحات و مهم‌تر از آن بخش عظیمی از جامعه ایران ایشان را قبول دارند، از این امکان باید بهره گرفت و در حقیقت در طول سال‌های آینده جامعه سیاسی ایران را پرورش داد. این مسأله اصلی است که کمتر کسی مثل آقای خاتمی این امکان برایش فراهم می‌شود، که این کار را بکنند. در طول‌سال‌های آینده آنطور که من حدس می‌زنم، این است که آقای خاتمی نقش جامعه‌محور خودش را ادامه خواهد داد و توانی را دارد که در خدمت این بخش قرار داده و مضایقه نخواهد کرد البته اگر دولت هم، ایده‌ای و فکری از ایشان بخواهند، دریغ نخواهند کرد اما نقشی که آقای خاتمی ایفا می‌کند، بیشتر همان نقش همه‌محور است.

**آقای شما از دولت اعتدال چیست؟ شاخصه‌های دولت اعتدال‌گرا چیست؟**

هر کدام از ما که اعتدال را معنی کنیم از دید خودمان معنی کرده‌ایم، چون این شعار متعلق به آقای روحانی است هرچند شعار جدیدی نیست اولی است که ایشان اعتدال را تعریف کردند اما یکسری باید‌ها و نباید‌هایی وجود دارد. شما نمی‌توانید بگویید که کمی بی‌عدالتی باشد، و کمی عدل و این دو مخلوط شوند و این بشود اعتدال؛ کمی فساد و کمی صلاح، کمی قانونگرایی و کمی قانون‌شکنی، این معنی اعتدال نیست... خود آقای روحانی در تبلیغات انتخاباتی‌اش اهدافی را تعریف کرده است. این اهداف را در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی معلوم کرده است که به کجا می‌خواهد برسد. این اهداف، اهداف ترسیم‌شده‌ای است که قولش به مردم داده شده است. اما اینکه این مسیر را از اینجا که ایستادیم تا به هدف برسیم، چگونه برویم طبعاً یک مثنی باید باشد که در حد توانایی جامعه ایران باشد. جامعه ایران متشکل از افراد، گروه‌ها، طبقات، ژاندها و فرهنگ‌های مختلفی است. باید راهی را در نظر بگیریم که با تمام این تفاوت‌هایی که هست برای

## سیاست

**محمدرضا خاتمی در گفت‌وگو با «شرق»:**

# مطالبه اصلاح‌طلبان از روحانی، اجرای برنامه‌های اوست



محمد رضا خاتمی

بندنه اصلاحات بوده ولی حرف‌ها و شعارها و برنامه‌هایی که دارد همه اصلاح‌طلبانه است البته ما اصرار داشتیم که باید از کسی حمایت کنیم که برنامه‌هایش اصلاح‌طلبانه است، همین نشان داد که ما اشتباهات را پذیرفته و اصلاح کرده‌ایم و برای آینده هم این روند تکاملی خود را ادامه خواهیم داد.

به سهم خودمان مسوولیت‌مان را در برابر اتفاقی که در این هشت‌سال رخ داده پذیرفته‌ایم و ابایی نداریم که از مردم، جوانان و دانشگاهیان پوزش بخواهیم و بگوییم که این اشتباه را که اشتباه بزرگی هم بود، ما مرکب شدیم.

**اشتباهات شما چه بوده است؟**

یکی از اشتباهات این بود که ما تا حدی نتوانستیم رابطه خوبی بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی ایجاد کنیم. ازسال ۷۷ که مشارکت تأسیس شد تا سال ۸۴، نتوانستیم این کار را دقیق انجام دهیم، اما این مسأله در طول هشت‌سال گذشته تا حدودی برطرف شده است. اشتباه دومی که بود اینکه، ما هم مثل بسیاری از احزاب مدرنی که در داخل ایران وجود دارد، یک حزب نخیکی بودیم و مشکل اینجا بود که بین ادبیات نخیکی با ادبیات عایه مردم تفاوتی وجود داشت. مثلاً ما به مردم گفتیم که دنبال دموکراسی هستیم اما دموکراسی را برای مردم ترجمه نکردیم که چگونه به نان سفره‌شان تبدیل می‌شود، این مرزی که بین نخیکی و توده‌ها وجود داشت نقص بود. سومین مسأله در تعاملات درونی ما بود، یک چیزهایی را باور داشتیم که حق است و هنوز هم باور داریم اما وقتی می‌رسیدیم به منافع اک‌تری مثل اشتیاق ۸۴ باید یاد می‌گرفتیم که برای هماهنگی درون اصلاحات اگر دوستان دیگر کوتاه نمی‌آیند ما باید رها کنیم، آن موقع بلد نبودیم یا کم یاد گرفته بودیم، الان این تکامل درون ما وجود دارد، همه دنیا این نیست که من باشم، آرمان‌هایی هم وجود دارد که مهم‌تر از «من» است. این نقیصه البته در کار اکثریت گروه‌ها چه اصلاح‌طلب چه محافظه‌کار وجود دارد. این سه مورد از موارد عمده‌ای بود که وجود داشت ولی سعی کردیم در بازسازی فکری در فرصتی که برای ما ایجاد شد برطرف کنیم.

**شورای شهر را چطور می‌بینید؟**

این شورایی که برآمده حاصل یک خردجمعی است، بنابراین من امیدوارم و تقریباً یقین دارم که منشا‌اثر خوبی خواهد بود. یک همدلی و انسجام درون آنها وجود خواهد داشت اما به هر حال متناسب با وقتی که برای ششورا گذاشتیم از آن نتیجه خواهیم گرفت. وجهه اصلی همت اصلاح‌طلبان، در انتخابات ریاست‌جمهوری بود و آنچنان که باید در شاید در انتخابات شوراها فعال نبودند، به همین دلیل دچار یکسری تفاوت آرا و عقاید و سلایق درون رده خواهیم بود، اما با توجه به کار متوسطی که برای شوراها شده است و الزام و تعهدی که دوستانی که وارد شوراها شده‌اند دارند، شاهد پیشرفت آنها خواهیم بود.

با وجود همه چیزهایی که گفته شد شورای چهارم

خیلی موفق‌تر از شورای سوم خواهد بود، هم به لحاظ سلامت و هم از نظر کارآمدی.

**آ مراکز قدرت دیگری هم وجود دارد که دست رقیب اصلاح‌طلبان یعنی اصولگرایان است برای اینکه مشکلات هشت‌ساله دوران اصلاحات دوباره پیش نیاید چه کار خواهید کرد؟**

این سوال هم به همان موضوع آرمانگرایی و واقع‌گرایی برمی‌گردد. واقع‌گرایی به شما حکم می‌کند، به دو عامل

مهم توجه کنیم؛ یکی تعامل و گفت‌وگو درون حکومت است، بخشی از مشکلات ناشی از سوءتفاهم‌هاست ما می‌توانیم به راه‌حل میانه‌ای برسیم برای حل مشکلات کشور که باید روی آن فکر و برنامه‌ریزی شود.

مسأله دوم اینکه شما نیازمند جامعه‌ای هستید که در بیان مطالبات و پیگیری آن البته از روش‌های قانونی دچار سکنه و لکنت‌زنان نشود، برای این کار بخش عمده‌ای که دولت در آن نقش دارد این است که خاطر این جمعیت به لحاظ معیشت آسوده‌باشد و انسان‌ها بتوانند فراتر از زندگی مادی و معیشتی بیندیشند، که این قدم مهمی است. نکته دوم که کار احزاب و نه لزوماً دولت است، این است که مردم را به لحاظ نهادمندی مدنی توانمند کند.

باید توقعات خود را پایین بیاوریم و از این دو ابزار، یعنی گفت‌وگو و تعامل درون حکومت و دوم ابزار توانمندسازی جامعه ایران که کار طولانی و ماندگاری است استفاده کنیم و این وظیفه‌ای است که احزاب و گروه‌ها باید به آن بپردازند.

**چطور شده مشارکت که زمانی منتقد سرخست**

**هاشمی بود، می‌بینیم که بعد از خاتمی، آقای هاشمی**

**گزینه مشارکت برای انتخابات می‌شود. چطور این دو**

**به هم رسیده‌اند؟**

مشارکت در صفت حزبی‌اش آنطور که برخی رسانه‌ها تبلیغ کرده‌اند با هاشمی هیچ‌گاه برخورد تخریبی نداشته است. اشخاصی که درون مشارکت بودند یا روزنامه‌هایی که تصور می‌شد وابسته به مشارکت است به آن فضا دامن می‌زدند، شما اگر روزنامه رسمی حزب، یعنی مشارکت را ببینید انتقاد دارد اما تخریب نه. مرزبندی‌ای که شما می‌گویید بین مشارکت و آقای هاشمی وجود داشت، شاید هیچ‌وقت چنین نبوده است. ممکن است انتقادهایی بوده باشد و در سال ۷۸ نیز آقای هاشمی در فهرست ما نبودند اما این تخریبی که برخی می‌گویند هیچ‌وقت به صفت حزب مشارکت انجام نشده است، بلکه چهره‌های اصلی حزب هم تلاش می‌کردند جلوی آن را بگیرند و نسبت به این مسأله هم موضع می‌گرفتند. البته شاید این ایراد به ما باشد که چرا در برابر موضع‌گیری‌های حاد علیه هاشمی آشکارا کاری نکردیم.

از سوی دیگر، تحولاتی که در چندسال اخیر صورت گرفت و مشکلاتی که به وجود آمد همه را به این نتیجه رساند که ما در کشتی‌ای هستیم که نباید سوراخش کنیم، بنابراین اولین کار این است که کشتی را به ساحل برسانیم و بجای می‌بینیم چطور باید کار کنیم، لذا از مدت‌ها پیش ارتباطمان را با آقای هاشمی برقرار کرده بودیم، در طول این سه، چهار ماه انتخابات این ارتباط گسترده‌تر هم شده بود. یکی از کسانی که اصرار می‌کرد آقای هاشمی باید بیاید ما بودیم.

آقای هاشمی، تاطق، خاتمی، مشارکت و بخشی از اصولگرایان، درون جبهه‌هایی هستند که به فراتر از منافع حزبی و جناحی می‌اندیشند، اهداف و آرمان‌های والا‌تری را تعریف کرده‌اند که مشترک است و آنقدر این اهداف، مهم و متعالی است که اختلاف‌سلیقه‌ها ساکت و خاموش بماند تا کشور از این وضعیت دربیاید به ساحل برسد و بعد برای رسیدگی به اختلاف‌ها وقت هست.

**این همسویی را سر‌استقرار به وجود آمده است؟**

نه از سر‌استقرار نیست. اگر از سر‌اضطراب بودسال‌های قبل هم باید وجود می‌داشت، این تحول مهمی است که در اشخاص و احزاب صورت گرفته که خمیرمایه این همدلی و همراهی شده است. اما اضطراب سبب شده اولویت اولمان هم یکی شود. البته نه به این معنا که از اولویت‌های بعدی جدا شویم، نه در اینها هم می‌توانیم یکی بشویم. این انرژی و متراکمی که ایجاد شده است حتماً در مراحل بعدی هم نقش خواهد داشت.

**اصلاح‌طلبان نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی روحانی داشتند اما می‌گویند سهم نمی‌خواهند منظور از این چیست؟**

اصلاح‌طلبان سهم نمی‌خواهند به این معناست که نمی‌خواهند آدم‌هایشان وزیر و کیل شوند. هیچ اصلاح‌طلبی ندیدم که فهرست به آقای روحانی معرفی کند، چه رسد به اینکه فشار بیاورد. این موضوع در اختیار آقای روحانی و تیم ایشان است. اما اصلاح‌طلبان مطالباتشان را دارند و مطالباتشان همان اجرای برنامه‌های آقای روحانی است. آقای روحانی آمد و گفت: «من سرهنگ نیستم» یعنی اگر در حوزه دانشگاه، اجتماعی و فرهنگی وارد شود به روش‌های فرهنگی عمل خواهد کرد. روحانی گفت، چرخ مملکت بچرخد بهتر در عین حالی که چرخ سانسرفیوز‌ها هم می‌چرخد، این یعنی در عین حفظ حقوق هسته‌ای کشورمان چرخ مملکت بچرخد و آقای روحانی هر کسی را خواست

در کابینه بگذارد، بگذارد اما این کارها را انجام دهد، ما سهم نمی‌خواهیم. منظور وزیر و وکیل داشتن در دولت است که نمی‌خواهیم اما پیگیر مطالبات خواهیم بود. هر اصلاح‌طلبی دیدیم این را گفته و هیچ فشاری نبوده و نخواهد بود. طرف مقابل باید قبول کند که مدیریت اجرایی کشور دست کسی افتاده که مطابق دلخواه آنها نیست و برنامه‌هایی که ارایه کرده ممکن است برنامه‌هایی باشد که آنها قبول نداشته باشند اما مردم به شاقول باشند، نه در مقابل دولتی که این‌همه نشاط و امید ایجاد کرده کار عاقلانه‌ای نیست که از الان خط‌نوشان کشیده شود که این باشد و آن نباشد، آنها هم باید مثل اصلاح‌طلبان دست آقای روحانی را باز بگذارند و همکاری کنند و بعد از رای دادن نظارت محکمی داشته باشند تا نقصان‌های خود را در چشم‌پستن به کج‌روی‌هایی که دولت قبلی داشته است، جبران کنند که ما هم از این استقبال می‌کنیم.

### نگاه

### شنود قانونی

### شنود غیر قانونی

**سیدمهدی موسوی‌شهری** - وکیل دادگستری

● داشتن وسایل ارتباطی اطمینان‌بخش، بدون نظارت و مداخله دیگران و با احساس امنیت شخصی و اجتماعی از حقوق اولیه آحاد ملت است و به‌عنوان یکی از اصول پذیرفته شده جهان مترقی است. خدمت‌بازینی مراسلات، مکاتبات و مکالمات تلفنی و مخابراتی به‌قدری روشن است که هیچ انسانی که دارای سلامت روحی و روانی و بصیرت فردی و اجتماعی است، آن را مجاز نمی‌داند.

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری‌اسلامی نیز در همین راستا مقرر داشته «بازرسی و ترساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی، تلکس، سانسور، عدم مخابره و ترساندن آنها، استراق‌سمع و هر گونه تجسس ممنوع است. مگر به حکم قانون.»

در مورد مکالمات تلفنی، ممنوعیت شامل استراق‌سمع و ضبط و فاش کردن آنهاست، همچنین تجسس درخصوص مکالمات از هر نوع که باشد ممنوع است. تنها استثنایی که در اصل ۲۵ قانون اساسی به آن اشاره شده است به حکم قانون و دستور مقام قضایی است.

در قانون آیین‌دادرسی کیفری از مواد ۹۶ الی ۱۱۱ به بحث تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم اشاره شده است و در ماده ۱۰۴ قانون مزبور مقرر شده است، «در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم، برای کشف جرم لازم باشد، قاضی به مراجع ذیربط اطلاع می‌دهد که اشیای فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند. و بعد از وصول آن را در حضور متهم ارایه کرده و مراتب را در صورت‌مجلس قید نموده و پس از امضای متهم آن را در پرونده ضبط می‌نماید»

و در تبصره این ماده اشاره شده است «کنترل تلفنی افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است یا برای احقاق حقوق اشخاصی به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است.» همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این‌وجود صریح این ماده قانونی، دستور کنترل تلفنی افراد متحصرا به دستور قاضی رسیدگی کننده باید باشد و حتی قاضی نیز به‌طور کامل آزاد نیست، بلکه دارای محدودیت‌های قانونی به شرح مذکور در تبصره این ماده است یکی از مواردی که علی‌الاطلاق اجازه تفتیش داده شده است مکاتبات زندانیان است که در مواد ۱۹۸ الی ۳۱۲ آیین‌نامه اجرایی سازمانی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ملاحظه می‌شود. با این‌وجود حتی در مورد زندانیان استراق‌سمع و شنود مکالمات تلفنی با ممنوعیت قانونی به شرح قانون اساسی و ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری روبه‌رو است.

به هر حال در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی، برای استراق‌سمع چنین مجازاتی تعیین شده است. «هریک از مستخدمان و مأموران دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاصی را در غیرمواردی که قانون اجازه داده، حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق‌سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را اانشان‌نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا ۱۸ (میلیون‌ریال محکوم خواهد شد.»

هرچند ماده ۵۸۲ فقط در مورد مستخدمان و مأموران دولتی است و در مورد غیرمستخدمان دولتی جریان ندارد، با این‌وجود در ماده ۷۲۰ قانون مجازات اسلامی الحاقی ۸۸/۳/۵ پیش‌بینی شده است «هرکس به‌طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در رسانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند به حبس از ۶ماه تا دوسال یا جزای نقدی از ۱۰ میلیون‌ریال تا ۴۰ میلیون‌ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

این ماده قانونی شامل هم مستخدمان دولتی و هم غیردولتی می‌شود و هرگونه شنود مخابراتی، رایانه‌ای و... ممنوع و جرم تلقی شده است. همچنین در مواد ۷۲۹ و ۷۳۱ الی ۷۳۳ قانون مزبور هرگونه دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به‌وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است و همچنین جاسوسی رایانه‌ای و دسترسی نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده جرم شناخته شده است.

بنابراین با تصویب مقررات اخیر در تاریخ ۸۸/۳/۵ شنود تلفنی و مخابراتی توسط هر شخصی اعم از دولتی و غیردولتی صورت گیرد، جرم است و قضات نیز در این موارد باید با رعایت مواد ۷۴۴ الی ۷۷۵، قانون مجازات اسلامی نسبت به تفتیش و توقیف دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا مخابراتی اقدام کنند و توجه داشته باشیم که برای قضات نیز امکان تفتیش و توقیف آنها در صورتی است که ظن قوی بر کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد در غیراین‌صورت قضات نیز حق تفتیش و توقیف و استراق‌سمع ندارند.